

مراجعة احترام آمیز بحضور هموطن گرامی حمید عطا! در رابطه با «قومیت...»

با حفظ نهایت احترام باید تذکر دهم که ممکن هر دوی ما، تعبیرات متفاوت از همدیگر حاصل نموده باشیم. نوشته دومی شما که با متن زیبای دری نوشته شده است و انعکاس دهنده بخشی از حقایق تلخ و شیرین جامعه ما را نشان می دهد، نه تنها مورد قبول من است، بلکه از آن فیض برده و می برم. هدف عکس العمل من در برابر نوشته اولی شما تحت عنوان : « قومیت یا دشمن مسموم برای نابودی مردم» در رد نظرات شما نبوده است.

فقط وقتی اصطلاح «دشمن مسموم» را بحیث بدیل در برابر « قومیت» دیدم، با خود سنجیدم که ممکن بیهوده نخواهد بود تا در باره این اصطلاح مفاهیم تکمیلی علاوه کنم. اگر گفته ام که در پرنسیپ از ذکر نام اشخاص خود داری می نمایم، معنی آنرا نداشته است که در مخالفت صریح با آنچه، شما تحریر نموده بودید، قرار گرفته باشم. هرچه شما می نویسید، حق شماست و نظر آزاد شماست. در حقیقت امر، از نوشته دومی شما بیشتر درک نمودم که احتمالاً هدف و احساس شما که قابل فهم و احترام از جانب من است، چه بوده باشد.

من بفرد فرد هموطنان خود احترام و محبت دارم، بدون آنکه یک لحظه هم در فکر آن شوم که این هموطن من بکدام قوم و یا کدام گروه مذهبی مربوط خواهد بود. من این وطن را هم از آنجهت دوست دارم که از چنین ترکیب رنگارنگ نژادی و فرهنگ غنی و تاریخ کهن برخوردار است. گنجینه تاریخی آن در شرایط صلح و امنیت نه تنها استعداد های زیاد انسانی را با خود مشغول خواهد ساخت، بلکه محققان خارجی را نیز بسوی این خاک و مراکز تحقیقاتی آن خواهد کشانید. من وقتی یک گروه اجتماعی را تحت مطالعه قرار می دهم، اولاً منشأ «ابتنیکی» یا «نژادی» را نخست از جهت بیولوژیکی یا علمی می بینم که با جهات اجتماعی و سیاسی قطعاً ارتباط نمی دهم. منطق من بر اصولی استوار است که وقتی انسان در طبیعت، از نزدیک شدن دو انسان تولید می شود، چه سیاه باشد، چه رنگه و یا سفید و اینکه در کجا تولد می شود و یا اینکه تولید یک جوره ثروتمند و یا فقیر است، تفاوتی نزد من بر کرامت انسانی او وجود ندارد. فقط اگر والدین معلول داشته باشد و یا قسماً یکی از آنها از نعمت صحت و سلامت جسمی محروم باشد، ممکن است در سالهای بعدی پرورش و نموی او، «چانس» خوب نداشته باشد، خصوصاً که شرایط زندگی اجتماعی سالم در ماحول او وجود نداشته باشد.

خلاصه اینکه چون انسان « اشرف مخلوقات » نامیده شده است، همه دارای کرامت مساوی اند. اصطلاح قوم و قومیت که در مراحل مختلف تاریخی بکار برده شده است، منشأ قدیمی دارد. در زمان یونان قدیم که هزاران سال قبل، تشکل های اجتماعی بوجود آمده است، در طی قرون متمادی همان تشکلهای قومی، علوم مختلف و مفاهیم سیاسی را هم اختراع نموده اند، حتی اصطلاحات دیموکراسی را بکار می برده اند. در فیصله های خود ها از اصول اتفاق آرا کار می گرفته اند. بمفهوم ضرورت به صلح و همزیستی در آنوقت بخوبی پی می برده اند. بعد از آنکه ساختار های سیاسی حاکمیت بوجود آمده است، گذار از یک مرحله به مرحله دیگر، در همه دنیا یکنوع و بیک آهنگ نبوده است. بحث ها درین مورد نمی تواند کوتاه باشد. فقط خلاصه بعرض می رسانم که این نسبت ها وقتی در اجتماع ما نیز مورد توجه نخواهد بود که همه افراد جامعه از امکانات مساوی و رسیدن بسطح عالی تعلیم عامه و مهارت های حرفوی و علمی برخوردار گردند و در نتیجه محو کامل بی سوادی، هریک به شخصیت های مستقل مبدل گردد.

در نوشته دومی خود، شما از ذکر اقوام در قانون اساسی یاد نموده اید. من نه در پروسه بن و نه در لویه جرگه ها سهیم بوده ام. طبیعی است که هریک ما، قبل از آنکه این قانون اساسی بدین متن تصویب و اعلان گردیده است، ولو اینکه حقوقدان هم نباشیم، طرز دید و تصویری داشته ایم. حرف زدن روی محتوای آن یک جهت مسئله است که می شود حرف زد، ولی رد آنرا در حال حاضر خاص بخاطر احترام به موجودیت کشور ما و احترام به اصول وحدت ملی، مصلحت نمی بینم. من برخلاف در حالیکه از حق پیشنهادات خود، در صورت امکان در مورد ورود تغییرات در محتوای قانون اساسی آینده اگر داشته باشم منصرف نمی شوم، به هویت «افغان» افتخار دارم و نه «افغانستانی». زیرا این کلمه در قانون اساسی صراحت ندارد. و برای توجه شما هم ماده قانون را بازنویس نموده، اظهار می دارم

دپانوشمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

که من هموطنانم را به کمیت که اکثریت است و یا اقلیت تقسیم نمی‌کنم و اگر در متن غور نمایند، بسلسله ذکر اسمای بعضی از اقوام کلمه سایر اقوام نیز بکار رفته است. بدین ترتیب هیچ فرد از این هویت «افغان» مستثنی نیست.

فصل اول: دولت

ماده چهارم

حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می‌کند. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشد. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می‌شود. هیچ فردی از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی‌گردد. امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می‌گردد. «

(منبع: افغان جرمن آنلان)

ختم